

## بررسی چگونگی کاربست مؤلفه‌های آموزش و پرورش انسان‌گرایانه با تأکید بر افزایش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان در مدارس ابتدایی تهران

پری‌ناز پورعلی<sup>۱</sup>؛ مریم سیف‌نراقی<sup>۲\*</sup>؛ عزت‌الله نادری<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری، فلسفه تعلیم تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، ایران

۲. استاد، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، ایران

۳. استاد، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۷/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۰۷

## A Survey on the Quality of Using Humanistic Education Components with Focusing on Elementary Student's School Motivation Achievement in Tehran

P. Purali<sup>1</sup>; M. Seyf Naraghi<sup>2\*</sup>; E. Naderi<sup>3</sup>

1. Ph.D student, Philosophy of Education, Science & Research Branch, Tehran, Iran

2. Professor, Department of Educational Sciences, Science & Research branch, Tehran, Iran

3. Professor, Department of Educational Sciences, Science & Research Branch, Tehran, Iran

Received: 2015/10/05

Accepted: 2016/02/26

### Abstract

The present article is a survey on the quality of using humanistic education components with focusing on elementary student's school motivation achievement according to the teachers and principals of 2<sup>nd</sup> education district of Tehran. This is an applied research and is done as a field study research. The research community included two groups from 2<sup>nd</sup> district in Tehran in educational year 93-94: Principals & Teachers in public and private primary schools (boys and girls schools). The sample groups, chosen according to Cochran-Morgan table, consisted of 183 Principals (managers & assistants) and 295 teachers that were chosen through stratified random sampling. Studying the literature review in humanistic education field, the questionnaire prepared by the researcher was formed in four different components to gather data. Face and content validity of the research were determined with the help of university professors and its reliability was determined through Cronbach's Alpha (0.824). The gathered data was analyzed with SPSS software and non-Parametric Chi square Tests. The results show that the using of all four components is not satisfactory, therefore, regarding to the importance of humanistic education in comprehensive growth, it is suggested that certain courses with the same titles be hold by the Education Organization to promote the educational level of principals and teachers.

### Keywords

Humanistic Education, Academic Motivation, Elementary School.

### چکیده

پژوهش حاضر، به منظور بررسی چگونگی کاربست مؤلفه‌های آموزش و پرورش انسان‌گرایانه، با تأکید بر افزایش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان در مدارس ابتدایی منطقه دو تهران در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ از منظر معلمان و معلمان ذی‌ربط انجام شده است. این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی و شیوه انجام آن زمینه‌ای است. جامعه پژوهش را دو گروه معلمان (مدیران و معاونان) و معلمان مدارس ابتدایی دولتی، غیردولتی (پسرانه، دخترانه) منطقه دو شهر تهران تشکیل می‌دهند. گروه نمونه بر اساس جدول کوکراین و مورگان ۱۸۳ نفر از معلمان (مدیر و معاونان) و ۲۹۵ نفر از مربیان است که به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده است. با مطالعه ادبیات تحقیق در حوزه آموزش پرورش انسان‌گرا، پرسش‌نامه محقق ساخته در چهار مؤلفه، جهت گردآوری داده‌ها تدوین گردید. روایی صوری و محتوایی آن با استفاده از نظر متخصصان دانشگاهی و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۲۴) مشخص شد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های آماری ناپارامتریک خی دو مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میزان کاربست هر چهار مؤلفه در حد مطلوب نیست؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت آموزش و پرورش انسان‌گرایانه در رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان، دوره‌هایی تحت همین عنوان جهت ارتقای علمی معلمان و مربیان از سوی سازمان آموزش و پرورش در نظر گرفته شود.

### واژه‌های کلیدی

آموزش و پرورش انسان‌گرایانه، انگیزه تحصیلی، دوره ابتدایی.

\* نویسنده مسئول: پری‌ناز پورعلی

## مقدمه

یکی از نکات اساسی و مهمی که در آموزش و پرورش مطرح است، توجه مربی و متربی به مفهوم تعلیم و تربیت است. برخی «تعلیم یا آموزش» را به انتقال دانش (جنبه شناختی) و از «تربیت یا پرورش» به انتقال ارزش‌ها (جنبه عاطفی فرد) تعبیر می‌کنند. در واقع تربیت یا پرورش که استقرار یا تقویت صفات جهان‌شمول و بدون تاریخ مصرف و هماهنگ با فطرت انسان‌ها است، مراد اصلی است و باید از طریق تعلیم یا آموزش محقق شود (سیف نراقی و نادری، ۱۳۹۴: ۴-۳). مهم‌ترین دورهٔ تحصیلی در تمام نظام‌های تعلیم و تربیت جهان دورهٔ ابتدایی است؛ زیرا رشد همه‌جانبهٔ فرد در این دوره، بیشتر انجام می‌شود. این دوره تداوم‌بخش تکوین شناختی، زیستی و اجتماعی کودک است و فرصت مناسبی است برای تحصیل، تربیت و یادگیری شیوهٔ ارتباط صحیح با دیگران و شکوفایی تدریجی استعدادها و همچنین شکل‌گیری شخصیت کودک (صافی، ۱۳۹۱: ۴۱-۴۰). این شکل‌گیری و رمز موفقیت آن در دست کسانی است که با کودک این راه را می‌پیمایند (علاقه‌بند، ۱۳۹۲: ۴۲). از این رو نقش آموزش و پرورش و فراتر از همه نقش آموزش ابتدایی، در این شکوفایی مشخص و مبرهن است (رضایی، ۱۳۹۲: ۱۴). در آموزش و پرورش انسان‌گرایانه<sup>۱</sup> که به منزلهٔ یک دیدگاه مستقل در دهه ۱۹۶۰ مورد توجه قرار گرفت، تلاش بر این است تا جهت‌گیری برنامه‌های درسی از افراط در انتزاعات و مجردات به سمت نیازها و علایق دانش‌آموزان تغییر یابد. بدین ترتیب این دیدگاه برای تحریک و حصول به انگیزهٔ قوی در یادگیرنده، انگیزهٔ درونی و نه انگیزهٔ بیرونی طراحی شده است. جزئی از دیدگاه انسان‌گرایانه ایجاب می‌کند که به دانش‌آموز، تنها از دریچهٔ رشد شناختی نگریسته نشود بلکه نیازهای عاطفی او نیز در نظر گرفته شوند (میلر، ترجمه مهرمحمدی، ۱۳۹۲: ۲۲۵). در آموزش و پرورش انسان‌گرایانه که گاه از آن تحت عنوان «آموزش پرورش عاطفی» نیز نام برده می‌شود، توجه به دو موضوع معطوف است، یکی رشد خودپندارهٔ مثبت<sup>۲</sup> دانش‌آموزان و مسئلهٔ اساسی دیگر رشد مهارت‌های میان فردی<sup>۳</sup> است که به وسیلهٔ کارل راجرز<sup>۴</sup> مطرح شد این مفاهیم

سبب می‌شود که فرایند آموزشی به نتایج ارزشمندی برسد و در نهایت فرد بتواند قابلیت‌های بالقوه خود را شکوفا سازد. آبراهام مازلو<sup>۵</sup> با طرح مفهوم خودشکوفایی<sup>۶</sup> در آموزش و پرورش انسان‌گرایانه اثر گذاشته است (مک نیل<sup>۷</sup>، ۲۰۰۹: ۱۲). مازلو در مسیر رشد انسان، فرایندی را بیان می‌کند که شامل پنج بخش یا مرحلهٔ خودشکوفایی است که عبارت‌اند از: نیازهای بدنی، امنیت، محبت و عشق، احترام و نیاز به خودشکوفایی. ارضای نیازهای بالاتر برای بقا چندان ضروری نیست اما ارضای آن‌ها موجب رشد و بالندگی فرد را فراهم می‌نماید و البته مستلزم شرایط مناسب بیرونی است (یوسفی، ۱۳۹۱: ۶۷-۶۶). در بالاترین مرحله از سلسله‌مراتب مازلو، فرد در جستجوی چگونگی تحقق عمیق‌ترین نیازهای خود است، آنچه بشر می‌تواند باشد، این نیازها را مازلو خودشکوفایی یعنی همان رسیدن به حداکثر توانایی‌ها و قابلیت‌های بالقوه نامیده است (که در آموزش و پرورش انسان‌گرایانه مدنظر است) (میلر<sup>۸</sup>، ترجمه مهرمحمدی، ۱۳۹۲: ۱۹۸). مبنای فلسفی نظریهٔ انسان‌گرایی، اندیشه اگزیستانسیالیستی است که به آزادی فرد تأکید دارد و معتقد است همه مردم در قبال معنای زندگی خود و ایجاد ماهیت و تعریف هویت خویش مسئولیت کامل دارند (گوتک<sup>۹</sup>، ترجمه پاک‌سرشت، ۱۳۹۲: ۱۵۸). در نظام آموزش پرورش انسان‌گرایانه، احساس، تفکر، تعقل، بیان فکر و حل مسئله به مراتب مهم‌تر از اندوختن مجموعه‌ای از اطلاعات است؛ در همین راستاست که خلاقیت و آزادی نیز مطرح می‌شوند. در این رویکرد معلمان به تسهیل‌گر تبدیل می‌شوند، کودکان را قضاوت نمی‌کنند، از آن‌ها امتحان نمی‌گیرند و آن‌ها را دسته‌بندی نمی‌کنند (یوسفی، ۱۳۹۱: ۱۰۵-۹۹). در نگرش جدید به حوزهٔ برنامهٔ درسی نیز تأکید بر فراهم کردن فرصت‌های تربیتی به نحوی است که بتوان شهروندانی سالم، منعطف و مسئولیت‌پذیر تربیت کرد (ماهرزاده، ۱۳۹۱: ۱۶۴). برخی آرمان‌ها و معیارهای آموزش و پرورش انسان‌گرایانه در چهار مؤلفهٔ یاددهی- یادگیری عبارت است از:

الف) محیط یادگیری مشتمل است بر: ایجاد شرایط مناسب در جهت تحقق استعدادهای (انسان‌ها به تحقق استعدادهای خویش گرایش دارند چنانچه شرایط مناسب برایشان فراهم شود به

5. Abraham Maslow  
6. Self actualization  
7. Mc Neil  
8. Miller, John.P  
9. Gutek, Gerald, L

1. Humanistic education  
2. Positive self-concept  
3. Inter personal skills  
4. Carl Ragers

آموزش مشارکت می‌کند از تجربه‌های یادگیری مفید بهره‌مند می‌شود (زارع، ۱۳۹۲: الف: ۹۸-۹۷).

د) روش ارزشیابی<sup>۳</sup>: ارائهٔ بازخورد صادقانه و یاری رساننده به دانش‌آموز (میلر، ترجمهٔ مهرمحمدی: ۲۲۵) بازخوردهای کلاس درس باید بر تلاش متمرکز باشد نه بر توانایی دانش‌آموزان (کدیور، ۱۳۹۳: ۲۲۵) خودارزیابی می‌تواند بهترین نوع ارزشیابی باشد (ارزشیابی تحت کنترل معلم از طریق ارزشیابی دانش‌آموز در حین یادگیری) (میلر، مهرمحمدی: ۲۰۵) در دورهٔ ابتدایی بهتر است تنها منبع ارزشیابی نمره‌گذاری نباشد و از روحیهٔ رفاقت به جای رقابت استفاده شود (بیابانگرد، ۱۳۹۲: ۵۹).

یکی از ابعاد مهم نظریه مازلو نگرش او به انگیزهٔ انسان است (میلر، ترجمهٔ مهرمحمدی، ۱۳۹۲: ۱۹۷). در پژوهش حاضر، کاربرد نظریهٔ انسان‌گرایی در مدارس ابتدایی و افزایش انگیزه و موفقیت تحصیلی ایشان در راستای هم قرار گرفته‌اند؛ به این معنا که ایجاد محیط یادگیری مبتنی بر آموزش و پرورش انسان‌گرایانه، شرایطی را به وجود می‌آورد که ناگزیر اولین مؤلفه‌ای که تحت تأثیر این شرایط رشد می‌کند، انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان خواهد بود. انگیزهٔ تحصیلی همان‌گونه که کلارک و شروت<sup>۴</sup> (۲۰۱۰: ۱۲۷) اظهار کرده‌اند؛ به انگیزه‌ها، نیازها و عواملی گفته می‌شود که باعث حضور یک فرد در محیط‌های آموزشی و کسب مدرک تحصیلی می‌گردد. افرادی که دارای امید موفقیت هستند برای یادگیری انگیزهٔ بالایی دارند (مک نیل، ۲۰۰۹: ۱۰). انسان‌گرایان به شواهدی اشاره می‌کنند که میان خودپندارهٔ مثبت با یادگیری، موفقیت و انگیزهٔ تحصیلی دانش‌آموزان ارتباط برقرار می‌کند؛ بنابراین آنان تلاش می‌کنند فضایی بر کلاس درس و برنامه‌های درسی حاکم کنند که تسهیل‌کنندهٔ دستیابی به خودپنداره و در نتیجه افزایش انگیزهٔ تحصیلی دانش‌آموزان باشد (میلر، ترجمهٔ مهر محمدی، ۱۳۹۲: ۲۰۵-۲۰۴).

کالینز<sup>۵</sup> (۲۰۱۲: ۸۹) نیز معتقد است آموزش و پرورش انسان‌گرایانه شرایط حیاتی دست یافتن به موفقیت را همراه دارد، همچنین هیل<sup>۶</sup> (۲۰۱۲: ۳۲) در مقاله‌ای تحت همین عنوان تصریح می‌کند که در قرن بیست و یکم مهم است

سمت سطوح برتر کارکرد سوق خواهند یافت (میلر، ترجمهٔ مهرمحمدی، ۱۳۹۲: ۲۰۴) تسهیل خودشکوفایی<sup>۱</sup> و کوشش برای رشد احساس کفایت شخصی در دانش‌آموزان (یعنی بایستی به نیازهای روانی اساسی کودک توجه شود) (کدیور، ۱۳۹۳: ۱۹۹) پرورش خود راهبری<sup>۲</sup> (میلر، ترجمهٔ مهرمحمدی، ۱۳۹۲: ۲۰۰) کوشش در گسترش محیط‌های حمایتگر و خالی از تهدید (ملکی، ۱۳۹۱: ۱۱۴) کلاس‌های درسی آزاد، محیطی سرشار از اعتماد، احترام متقابل، همکاری، دوستی (رشد مهارت‌های میان فردی) محیطی غنی از حیث منابع، به نحوی که شاگرد بر اساس علایق و استعدادهايش به کشف استعداد خود بپردازد (مک نیل، ۲۰۰۹: ۲۱).

ب) نقش معلم: معلم فقط تسهیل‌کننده و مشارکت‌کننده است که گام به گام با دانش‌آموز جلو می‌رود ولی امر و نهی‌کننده نیست (جویس، ترجمهٔ بهرنگی، ۱۳۹۲: ۳۷۱) به خصوص در دوران ابتدایی معلم باید از بازی‌های آموزشی استفاده نماید و مطالب درسی را به زندگی دانش‌آموزان مربوط کند (مک نیل، ۲۰۰۹: ۲۱) باید انگیزهٔ درونی را رشد دهد و به فهمیدن به جای حفظ کردن بپردازد (زارع، ۱۳۹۲: ب: ۵). وظیفهٔ اصلی او ایجاد فضایی باز و سرشار از اعتماد در کلاس درس و پس از آن کمک به موفقیت دانش‌آموزان در دستیابی به هدف‌های یادگیری است (میلر، ترجمهٔ مهرمحمدی، ۱۳۹۲: ۲۰۵) نسبت به اندیشه‌های جدید با گشودگی برخورد می‌کند و به این ترتیب خود نیز یک یادگیرنده است (میلر، ترجمهٔ مهرمحمدی، ۱۳۹۲: ۲۲۵) از روش تدریس فعال استفاده می‌کند و یادگیرنده را در فرایند یادگیری درگیر می‌کند (جویس، ترجمهٔ بهرنگی، ۱۳۹۲: ۳۶۹) هرچه نقش معلم در حل نیازهای سطوح پایین‌تر بیشتر باشد، احتمال تجربه نیازهای سطوح عالی‌تر (دانستن و فهمیدن) به وسیلهٔ دانش‌آموز بیشتر می‌شود (مایکل، ترجمهٔ زارع، ۱۳۹۴: ۲۰۳-۲۰۲).

ج) نقش یادگیرنده: به دانش‌آموزان به منزلهٔ عناصری قادر و قابل‌اعتماد نگریسته می‌شود. اگر شرایط تسهیل‌کننده لازم فراهم باشد، دانش‌آموزان قادرند استعدادهای خود را به فعلیت برسانند (میلر، ترجمهٔ مهرمحمدی، ۱۳۹۲: ۲۲۵) توانا در انتخاب، خود راهبر، خودارزشیاب و کسی که مسئولیت یادگیری را خود بر عهده می‌گیرد (یادگیرنده وقتی در جریان

3. Evaluation  
4. Clark & Schroth  
5. Collins Cathy  
6. Hill

1. Self actualization  
2. Self direction

برنامه‌های درسی، وسایل و منابع یادگیری موجود در مدارس و خارج آن و استفاده از این منابع در راستای ایجاد و تقویت خود راهبری دانش‌آموزان نبوده و بدان کمک نمی‌کند (لازم به ذکر است در این رویکرد با پرورش مهارت‌های میان فردی و تجربه‌های خوشایند، توان خود راهبری و خودارزشیابی که از مؤلفه‌های آن است، حاصل می‌شود).

پژوهش‌هایی که درباره نظریه‌های یادگیری در ایران انجام شده است نشان می‌دهد که بیشتر میزان آگاهی معلمان از نظریه‌های یادگیری در آگاهی و کاربرد به نظریه رفتارگرایی مربوط می‌شود و کمترین میزان کاربرد نظریه‌ها به نظریه فراشناخت، نظریه انسان‌گرایی و اجتماعی مربوط است (عارفی، فتحی و اجارگاه، نادری، ۱۳۸۸: ۱۴۵-۱۴۳). پژوهش حاضر بر آن است که عملکرد مدارس ابتدایی تهران را با توجه به چگونگی کاربست مؤلفه‌های آموزش و پرورش انسان‌گرا (در چهار مؤلفه محیط یادگیری، نقش معلم، نقش یادگیرنده و روش ارزشیابی) با تأکید بر ایجاد انگیزه تحصیلی در دانش‌آموزان در مدارس ابتدایی منطقه دو تهران، از منظر مجریان (مدیران، معاونان) و معلمان ذی‌ربط، مورد بررسی قرار دهد و با مشخص شدن نقاط قوت و ضعف، در نهایت بر اساس یافته‌های حاصل از پژوهش، راهکارها، مدل و پیشنهادها مناسب را جهت بهبود عملکرد این دوره، ارائه نماید.

۱. میزان کاربست آموزش و پرورش انسان‌گرا معطوف به ایجاد انگیزه تحصیلی در دانش‌آموزان در مؤلفه «مدیریت محیط یادگیری» چگونه است؟

۲. میزان کاربست آموزش و پرورش انسان‌گرا معطوف به ایجاد انگیزه تحصیلی در دانش‌آموزان در مؤلفه «نقش معلم (روش یاددهی - یادگیری)» چگونه است؟

۳. میزان کاربست آموزش و پرورش انسان‌گرا معطوف به ایجاد انگیزه تحصیلی در دانش‌آموزان در مؤلفه «نقش یادگیرنده» چگونه است؟

۴. میزان کاربست آموزش و پرورش انسان‌گرا معطوف به ایجاد انگیزه تحصیلی در دانش‌آموزان در مؤلفه «روش ارزشیابی» چگونه است؟

دریابیم هیچ نمونه یا دیدگاه تعلیم و تربیتی به اندازه رویکرد انسان‌گرایانه تأکید زیادی بر پیامدهای مطلوب یا اهدافی که به حیطه‌های عاطفی و انگیزشی مربوط می‌شوند، ندارد. تدارک محیط مناسب و ایجاد موقعیت‌های جالب برای یادگیری باعث می‌شود تا دانش‌آموزان بتوانند فعالیت‌هایی را انتخاب کنند که برای آن‌ها جاذبه و ارزش شخصی داشته و به جای اینکه معلم تقویت را فراهم کند، فعالیت خود انگیزه‌کننده کودک برای او پاداش می‌شود (بیلر به نقل از کدیور، ۱۳۹۳: ۲۰۳). برنامه درسی انسان‌گرایانه بین انگیزه، عواطف و اعتقادات فردی با فرایند شناختی یادگیری در دانش‌آموزان ارتباط ایجاد می‌کند (مک نیل، ۲۰۰۹: ۲۲).

یک رویکرد نوآورانه جدید به آموزش لازم است تا از دانش‌آموز به عنوان کسی که در مرکز فرآیند یاددهی - یادگیری قرار دارد حمایت کند، رویکرد انسان‌گرایی به عنوان نیروی سوم، در ظاهر پارادایم زودبازدهی در بیشتر زمینه‌ها از جمله آموزش و پرورش است. انجام موفقیت‌آمیز آموزش و پرورش همه جانبه که در قرن بیست و یکم نیاز است، به استراتژی‌ها و دانشی گره خورده است که هنوز در کلاس درس مرسوم نشده، برای آموزش مؤثر دانش‌آموزان در کلاس‌های درس امروزی، معلم باید داوطلب فهم اجزای عاطفی، شناختی و اجتماعی شود؛ زیرا اساس یاددهی - یادگیری همه جانبه را تشکیل می‌دهد (کانیون، ۲۰۱۰؛ به نقل از فلسوم، ۲۰۱۱). به این منظور توجه به ابعاد ویژه آموزش و پرورش از جمله آموزش و پرورش انسان‌گرایانه جهت ارتقای انگیزه تحصیلی و سلامت دانش‌آموزان در همه ابعاد وجودی‌شان حایز اهمیت است. وقت آن است نقش مهمی که احساسات در یادگیری ایفا می‌کنند، شناخته شود و همگان دریابند که بهره‌گیری از مهارت‌های ارتباطی نیز بخشی از روند رشد هر معلم و مجموعه آموزشی است. این نوع تعلیم و تربیت تمامیت دانش‌آموز را در بر می‌گیرد، از این طریق است که آموزش خرد را غنا می‌بخشد، به استقلال عقلانی و تعالی عاطفی آدمی امکان می‌دهد و احترام متقابل را قوام می‌بخشد. یافته‌های تحقیق هوانگ<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) در بررسی دیدگاه مریبان نسبت به نقش محیط یاددهی - یادگیری در ایجاد توان خود راهبری و خودارزشیابی دانش‌آموزان ابتدایی از این قرار است که مریبان به صورت همگون در پاسخ معتقدند که اهداف

1. Folsom

2. Hwang - Fei fei

**جدول ۱.** توزیع نظر مجریان و مربیان، در خصوص مدیریت محیط یادگیری دانش‌آموزان با تأکید بر آموزش و پرورش انسان‌گرایانه، معطوف به ایجاد انگیزه تحصیلی

گروه‌ها	شاخص‌های آماری		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
	درصد	فراوانی					
مجریان (مدیر و معاون)	۳۳/۹	۶۳	۳۴/۴	۱۹/۱	۳۵	۱۰/۹	۳
مربیان	۲۸/۱	۱۳۳	۴۵/۱	۱۴/۲	۴۲	۱۱/۵	۳

سطح احتمال خطاپذیری محقق: ۵٪ درجه آزادی: ۴ کای اسکور: ۱۷۶/۳۹۳

### روش‌شناسی

خصوص آموزش و پرورش انسان‌گرایانه از طریق بررسی ادبیات و پیشینه موضوع و ترجمه منابع مرتبط به دست آمد و بر اساس هر کدام از مؤلفه‌های آموزش و پرورش انسان‌گرایانه، شاخص‌های هر مؤلفه استخراج گردید، سپس با توجه به اهداف و سؤالات پژوهش، پرسش‌نامه محقق‌ساخته تدوین و میزان توجه به این مؤلفه‌ها از دیدگاه مجریان (معاونان، مدیران) و معلمان مدارس ابتدایی مورد بررسی قرار گرفت. پرسش‌نامه مورد استفاده شامل چهار مؤلفه محیط یادگیری، نقش معلم (روش یاددهی- یادگیری، نقش دانش‌آموز و نقش ارزشیابی، با ۴۶ گویه است. به منظور

این پژوهش از نوع کاربردی<sup>۱</sup> است و روش انجام آن تحقیق زمینه‌ای<sup>۲</sup> است (نادری، سیف نراقی، ۱۳۹۴: ۵۰-۴۹). جامعه آماری مورد مطالعه این تحقیق متشکل از دو گروه است. این گروه‌ها عبارت است از:  
الف) مجریان (مدیران، معاونان) مدارس ابتدایی دولتی (پسرانه، دخترانه) و غیر دولتی (پسرانه، دخترانه) منطقه دو شهر تهران.  
ب) معلمان مدارس ابتدایی دولتی (پسرانه، دخترانه) و غیر دولتی (پسرانه، دخترانه) منطقه دو شهر تهران.

**جدول ۲.** توزیع نظر مجریان و مربیان، در خصوص نقش معلم با تأکید بر آموزش و پرورش انسان‌گرایانه، معطوف به ایجاد انگیزه تحصیلی

گروه‌ها	شاخص‌های آماری		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
	درصد	فراوانی					
مجریان (مدیر و معاون)	۳۰/۶	۶۵	۵/۳۵	۱۹/۱	۳۵	۲۲	۵
معلمان	۲۷/۱	۱۲۵	۴۲/۴	۱۳/۲	۳۹	۳۷	۱۴

سطح احتمال خطاپذیری محقق: ۵٪ درجه آزادی: کای اسکور: ۲۰۵/۲۴۳: ۴

بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده جهت رسیدن به اهداف تحقیق، از آزمون‌های آماری در دو بخش آمار توصیفی (فراوانی، درصد، محاسبه شاخص‌های پراکندگی و مرکزی) و آمار استنباطی (آزمون کای اسکور یا خی دو) بهره گرفته شده است.

### یافته‌ها

با توجه به اینکه میانگین‌ها بر اساس طیف لیکرت از یک تا پنج گزارش شده است، بنابراین میانگین‌هایی که بین ۱-۲/۳۳

به منظور انتخاب نمونه‌های مورد نظر از روش نمونه‌گیری «تصادفی طبقه‌ای»<sup>۳</sup> استفاده شده است (نادری، سیف نراقی، ۱۳۹۴: ۱۲۷) و برای هر طبقه بر اساس مناسب‌ترین روش، حجم نمونه تعیین شده است. جهت جمع‌آوری داده‌ها، متناسب با مؤلفه‌های مورد بررسی (محیط یادگیری، نقش معلم، نقش دانش‌آموز و روش ارزشیابی) از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شده است. به این صورت که اطلاعات لازم در

1. Applied
2. Field study research
3. Stratified random sampling

قرار دارند نامطلوب، ۲/۳۴-۳/۶۷ نسبتاً مطلوب، ۵- ۳/۶۸ مطلوب ارزیابی می‌شوند.

**بررسی سؤال اول: میزان کاربست آموزش و پرورش انسان‌گرا معطوف به ایجاد انگیزه تحصیلی در دانش‌آموزان در مؤلفه «مدیریت محیط یادگیری» چگونه است؟**

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود بیشترین فراوانی مشاهده شده از نظر مجریان و مربیان در بخش‌های کم و خیلی کم است. نتایج آزمون خی دو در سطح خطاپذیری پنج درصد با درجه آزادی چهار نشان می‌دهد که خی دو محاسبه شده بزرگ‌تر از مقدار خی دو جدول<sup>۱</sup> است. لذا فرض یکسان نبودن دو توزیع رد می‌شود به عبارتی توزیع نظر مربیان و مجریان یکسان است و با توجه به محتویات جدول ۱ بیش از ۶۵ درصد هر دو گروه عقیده دارند که آموزش و پرورش در خصوص مدیریت محیط یادگیری در محدوده کم و خیلی کم عمل می‌کند.

**بررسی سؤال دوم: میزان کاربست آموزش و پرورش انسان‌گرا معطوف به ایجاد انگیزه تحصیلی در دانش‌آموزان در مؤلفه «نقش معلم (روش یاددهی - یادگیری)» چگونه است؟**

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود بیشترین فراوانی مشاهده شده از نظر مجریان و مربیان در بخش‌های کم و خیلی کم است. نتایج آزمون خی دو در سطح خطاپذیری پنج درصد با درجه آزادی چهار نشان می‌دهد که خی دو محاسبه شده بزرگ‌تر از مقدار خی دو جدول<sup>۲</sup> است. لذا فرض یکسان نبودن دو توزیع رد می‌شود؛ به عبارتی توزیع نظر مربیان و مجریان یکسان است و با توجه به محتویات جدول ۲ بیش از ۶۵ درصد هر دو گروه عقیده دارند که آموزش و پرورش در

خصوص نقش معلم (روش یاددهی - یادگیری) در محدوده کم و خیلی عمل می‌کند.

**بررسی سؤال سوم: میزان کاربست آموزش و پرورش انسان‌گرا معطوف به ایجاد انگیزه تحصیلی در دانش‌آموزان در مؤلفه «نقش دانش‌آموز» چگونه است؟**

همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود بیشترین فراوانی مشاهده شده از نظر مجریان و مربیان در بخش‌های کم و خیلی کم است. نتایج آزمون خی دو در سطح خطاپذیری پنج درصد با درجه آزادی چهار نشان می‌دهد که خی دو محاسبه شده بزرگ‌تر از مقدار خی دو جدول<sup>۳</sup> است. لذا فرض یکسان نبودن دو توزیع رد می‌شود به عبارتی توزیع نظر مربیان و مجریان یکسان است و با توجه به محتویات جدول ۳ بیش از ۵۵ درصد هر دو گروه عقیده دارند که آموزش و پرورش در خصوص نقش یادگیرنده در محدوده کم و خیلی کم عمل می‌کند.

**بررسی سؤال چهارم: میزان کاربست آموزش و پرورش انسان‌گرا معطوف به ایجاد انگیزه تحصیلی در دانش‌آموزان در مؤلفه «روش ارزشیابی» چگونه است؟**

همان‌طور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود بیشترین فراوانی مشاهده شده از نظر مجریان و مربیان در بخش‌های متوسط و زیاد است. نتایج آزمون خی دو در سطح خطاپذیری پنج درصد با درجه آزادی چهار نشان می‌دهد که خی دو محاسبه شده بزرگ‌تر از مقدار خی دو جدول<sup>۴</sup> است. لذا فرض یکسان نبودن دو توزیع رد می‌شود به عبارتی توزیع نظر مربیان و مجریان یکسان است و با توجه به محتویات جدول ۴ بیش از ۷۵ درصد هر دو گروه عقیده دارند که آموزش و پرورش در خصوص روش ارزشیابی در محدوده متوسط و زیاد عمل می‌کند.

**جدول ۳.** توزیع نظر مجریان و مربیان، در خصوص نقش یادگیرنده با تأکید بر آموزش و پرورش انسان‌گرایانه، معطوف به ایجاد انگیزه تحصیلی

گروه‌ها	شاخص‌ها آماری		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد			
	فراوانی	درصد								
مجریان (مدیر و معاون)	۳۵	۱۹/۱	۶۹	۳۷/۷	۲۵	۱۳/۷	۳۰	۱۶/۴	۲۴	۱۳/۱
معلمان	۷۵	۲۵/۴	۱۰۷	۳۶/۳	۵۷	۱۹/۳	۳۴	۱۱/۵	۲۲	۷/۵

سطح احتمال خطاپذیری محقق: ۵٪ درجه آزادی: کای اسکور ۴: ۲۶۶/۳۳۱

۳. مقدار خی دو جدول در سطح خطاپذیری پنج درصد و درجه آزادی ۴: ۹/۴۸۷۷۳=

۴. مقدار خی دو جدول در سطح خطاپذیری پنج درصد و درجه آزادی ۵: ۹/۴۸۷۷۳=

۱. مقدار خی دو جدول در سطح خطاپذیری پنج درصد و درجه آزادی ۴: ۹/۴۸۷۷۳=

۲. مقدار خی دو جدول در سطح خطاپذیری پنج درصد و درجه آزادی ۴: ۹/۴۸۷۷۳=

جدول ۴: توزیع نظر مجریان و مربیان، در خصوص روش ارزشیابی دانش‌آموزان با تأکید بر آموزش و پرورش انسان‌گرایانه، معطوف به ایجاد انگیزه تحصیلی

گروه‌ها	شاخص‌های آماری	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
مجریان (مدیر و معاون)	فراوانی درصد	۳	۱۰	۶۷	۱۳	۴۵/۴
معلمان	فراوانی درصد	۱	۲۶	۱۰۴	۱۲۰	۴۰/۷
		سطح احتمال خطاپذیری محقق: ۵٪ درجه آزادی		کای اسکور: ۳۱۵/۴۹۴: ۴		

### نتیجه‌گیری و بحث

**بررسی سؤال اول: میزان کاربست آموزش و پرورش انسان‌گرا معطوف به ایجاد انگیزه تحصیلی در دانش‌آموزان در مؤلفه مدیریت محیط یادگیری چگونه است؟**

یافته‌ها نشان می‌دهد میزان کاربست آموزش و پرورش انسان‌گرا در «مدیریت محیط یادگیری» در مدارس ابتدایی در حد مطلوب نیست و آموزش و پرورش در این خصوص «کم» و «بسیار کم» عمل می‌کند.

با مطالعه پیشینه پژوهش مشخص می‌شود که تعلیم و تربیت حیطه عاطفی که شامل ایجاد تغییرات در علاقه، گرایش‌ها، ارزش‌ها تحول و دگرگونی در احساس است در سایه مدیریت محیط یاددهی یادگیری انسانی به ثمر می‌نشیند. مدیریتی می‌تواند انسانی خوانده شود که عملکرد نهایی آن بر ارزش‌های انسانی به مفهوم عمیق و در همه اشکال آن تأکید نماید. شارلسون<sup>۱</sup> به نقل از مک نیل (۲۰۰۹) در ارزیابی دیدگاه انسان‌گرایانه در یک چهارچوب وسیع‌تر اجتماعی به این نتیجه رسید که این دیدگاه بیشترین قوت و موفقیت را در درک، سازمان‌دهی و مدیریت محیط یادگیری دارد. یافته‌های جیاکونیا (۱۹۸۲)؛ به نقل از هیل، (۲۰۱۲) در فراتحلیلی از ۱۵۰ طرح مطالعاتی حاکی از آن است که کاربست آموزش پرورش باز یا انسان‌گرایانه باعث پیشرفت، مشارکت، استقلال، خلاقیت و نگرش مثبت نسبت به معلم، مدرسه و دانش‌آموزان می‌شود؛ اما اینکه امروزه در مدارس تا چه میزان جهت سازمان‌دهی و مدیریت محیط یادگیری از این رویکرد بهره گرفته می‌شود نتایج، حاکی از ضعف عملکرد در این زمینه است.

یافته‌های تحقیق هوانگ<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) در بررسی دیدگاه مربیان نسبت به نقش محیط یاددهی- یادگیری در ایجاد توان خود راهبری و خودارزشیابی دانش‌آموزان ابتدایی از این قرار است که مربیان به صورت همگون در پاسخ معتقدند اهداف برنامه‌های درسی موجود در راستای ایجاد و تقویت خود راهبری دانش‌آموزان نبوده و بدان کمک نمی‌کند، محتوای برنامه‌های درسی وسایل و منابع یادگیری موجود در مدارس و خارج آن و استفاده از این منابع در ایجاد و تقویت ابعاد خود راهبری و خودارزشیابی دانش‌آموزان تأثیر مثبتی ندارد. هم‌چنین تیلور، داریس و مالانچاک<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) در مطالعات خود با همکاری دانشگاه میشیگان و کالیفرنیا در رابطه با خود مفهومی علمی، انگیزه تحصیلی و پرخاشگری در مدارس تحلیل‌هایی را ارائه کردند و به این نتایج رسیدند که در بیش از نیمی از مدارس، عملکرد و مدیریت محیط یاددهی- یادگیری به گونه‌ای نیست که خودمفهومی علمی (خودپنداره مثبت به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های آموزش و پرورش انسان‌گرا) افزایش یابد. داده‌های طولی از یک نمونه کاملاً متفاوت از دانش‌آموزان مدارس ابتدایی و راهنمایی به همراه مشاهدات و گزارش والدین تحلیل شدند. نتایج نشان داد که در کل «دانش‌آموزان با خودمفهومی ضعیف در حوزه‌های موفقیت، با احتمال بیشتری در مدرسه نسبت به کسانی که خودمفهومی بالایی دارند پرخاشگرند و دارای انگیزه تحصیلی کمتری هستند.

ریوس و کانان<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) نیز در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که مدارس اغلب دارای عملکرد مطلوب و محیط یاددهی یادگیری سالم و اثربخش نیستند. ایشان ۱۱ ویژگی پژوهش بنیان<sup>۵</sup> از ویژگی‌های مدارس دارای عملکرد مطلوب و

2. Hwang, Fei fei  
3. Taylor, Daris & Malanchuk  
4. Reeves & Konan  
5. Research base

1. Sharlson

مثبت، پرکی مفهوم‌های معلم فراخواننده<sup>۲</sup> و مدرسه فراخواننده<sup>۳</sup> را مطرح کرده است. معلم فراخواننده دانش‌آموز را به یادگیری دعوت می‌کند. نخستین نکته این طرز تفکر نگاه به دانش‌آموز به منزله فردی توانا، ارزشمند و مسئول است.

بررسی یافته‌ها و پیشینه پژوهش، دو مطلب مهم را مورد تأکید قرار می‌دهد. ۱. اهمیت مدیریت محیط یاددهی یادگیری و ۲. ضعف عملکرد مدارس در این مؤلفه بر اساس آموزش و پرورش انسان‌گرایانه. لذا با توجه به این مهم راهکارهایی در ذیل جهت مدیریت راهبرانه محیط‌های یادگیری ارائه می‌شود. این نکته حائز اهمیت است که دانش‌آموزان و والدین آن‌ها هر دو در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مسائل مدرسه شرکت داشته باشند، اصل اساسی یک مدیریت راهبرانه مؤثر این است که همواره با دیگران با این دانش برخورد شود که نمی‌شود آن‌ها را کنترل کرد. بهترین راه این است که به کارکنان و اعضای مدرسه اطلاعاتی داده شود که بتواند متقاعدشان کند که کاری را که از ایشان خواسته می‌شود، انجام دهند، در چنین صورتی است که آن‌ها احساس خوب خواهند داشت و این همانی است که همه انسان‌ها می‌خواهند: داشتن احساس خوب. اگر بتوان به مربیان، دانش‌آموزان و کارکنان کمک کرد که احساس خوبی داشته باشند، به دقت به درخواست‌هایی که از آن‌ها خواسته می‌شود توجه کرده و در بیشتر موارد آن را انجام خواهند داد. در محیط یادگیری انسان‌گرا، هم معلمان و هم دانش‌آموزان قدرت انتخاب بیشتری دارند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند حتی مدارس با نشاط و جذب‌کننده یا مدرسی که به لحاظ نوع ساختار، متفاوت و جدیدند اگر به روش‌های مدیریتی سخت‌گیرانه مبتنی بر زور و اجبار و سستی اداره شوند کیفیت تربیتی لازم را نخواهند داشت و نمی‌توانند آن‌گونه که باید و شاید در سطح توان خود بهره‌وری داشته باشند. البته این ایراد تنها در ساختار مدرسه نیست بلکه ایراد در آنجاست که وقتی معلمان با اصلاح روش خود در مدیریت کلاس و دانش‌آموزان به موفقیت‌های خوبی دست یافته‌اند، به وسیله مدیران سستی مواخذه شده‌اند که کار ایشان در کلاس‌داری و شیوهٔ آموختن و درس خواندن دانش‌آموزان برای مدرسه قابل قبول نیست. باید به این نکته مهم توجه شود که قدرت تغییر و نوآوری در مدیریت محیط‌های یادگیری تنها در افزایش تعداد افراد مؤثر نیست

محیط یاددهی یادگیری سالم و انسانی را بنا بر تحقیقات دپارتمان تعلیم و تربیت آمریکا ارائه کردند. این مجموعه راهنما بر این موضوع تأکید می‌کند که همه اعضای مدارس اعم از کارکنان، دانش‌آموزان و والدین نقش یکسانی در ایجاد یک مدرسهٔ ایمن و اثربخش ایفا می‌کنند. در چنین محیطی احترام و مراقبت دو جنبه بین اعضا وجود دارد، مسائل و مشکلات فراگیران به موقع شناسایی شده و به طور کامل به نیازهای دانش‌آموزان پاسخ داده می‌شود و همه در رسیدن به هدف سلامت و امنیت همکاری می‌کنند. ریوس و کانان اظهار می‌کنند که مدارس سالم و اثربخش نه تنها یادگیری را ارتقاء می‌بخشند بلکه به سلامت عاطفی و رفتار مناسب اجتماعی نیز توجه دارند. یازده ویژگی که آن‌ها معتقدند باید محیط یاددهی یادگیری سالم دارا باشد از این قرار است:

۱. درگیر کردن دانش‌آموزان با حل مسائل ۲. داشتن سیاست‌ها و قوانین شفاف و عادلانه ۳. تأکید بر روابط مثبت بین دانش‌آموزان و مربیان ۴. قائل شدن احترام و ارزش یکسان برای همهٔ دانش‌آموزان ۵. ایجاد راه و روش‌ها و فرصت‌هایی برای دانش‌آموزان جهت کاستن از نگرانی‌ها و اضطرابشان ۶. کمک به دانش‌آموزان جهت داشتن احساس امنیت برای ابراز احساساتشان ۷. کمک به شهروند خوب شدن و داشتن شخصیت خوب و سالم ۸. شناسایی مشکلات و ارزیابی پیشرفت در رسیدن به راه‌حل آن‌ها ۹. حمایت از دانش‌آموزان در انتقال به زندگی بزرگسالی و ورود به محیط کار ۱۰. تأکید بر فهم و یادگیری معنی‌دار به جای انباشتن مقدار زیادی اطلاعات اجباری در ذهن ۱۱. هماهنگی در ایجاد امنیت عاطفی و جسمانی جهت خلق و حفظ محیط مثبت و سالم ۱۲. کمک به دانش‌آموزان در رسیدن به حداکثر توانایی‌های علمی، اجتماعی و عاطفی‌شان.

پژوهش‌های به عمل آمده همچنین رابطهٔ میان خودپندارهٔ منفی و رفتار بزهکارانه را تأیید کرده است، در آخر پژوهش‌هایی نیز خودپنداره و موفقیت تحصیلی را در ارتباط با یکدیگر دانسته‌اند. پرکی<sup>۱</sup>، ۱۹۷۸؛ به نقل از میلر (۱۳۹۲: ۲۰۶-۲۰۵) اعتقاد دارد که به استثنای خانواده، مدرسه احتمالاً بیشترین تأثیر را در نحوهٔ نگرش دانش‌آموز به خویشتن دارد و به نتایج پژوهش‌هایی اشاره می‌کند که نشان می‌دهد کاهش در احترام به خود و نگرش مثبت به مدرسه، در حین تحصیل دانش‌آموز اتفاق می‌افتد، به منظور ایجاد خودپندارهٔ

2. Invitational teacher  
3. Invitational school

1. Perki



گرفته می‌شود نقش معلمان، روش‌های تدریس و روابط و رفتار آن‌ها با دانش‌آموزان توانسته است مؤلفه‌های آموزش و پرورش انسان‌گرا را در این خصوص پوشش دهد. مؤلفه‌های مهم نقش معلم (روش یاددهی - یادگیری) مانند توجه معلم به رشد تمام ابعاد شخصیت کودک (عاطفی - جسمی - اجتماعی - ذهنی) در تعلیم و تربیت، تسهیل‌گری و مشارکت معلم در فرایند یاددهی- یادگیری، استفاده از روش بازی و روش فعال در فرایند تدریس، اهمیت به فهمیدن و درک کردن، گشودگی نسبت به اندیشه‌های جدید، احترام و اعتماد به دانش‌آموزان جهت ایجاد علاقه و انگیزه، ایجاد ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان و نظر به نیازهای آن‌ها از سوی معلم یا مغفول مانده و یا توجه مناسبی به آن نشده است. مریبان طرفدار رویکرد انسان‌گرایانه معتقدند فقدان مهارت‌های میان فردی<sup>۲</sup> معلمان عامل اساسی عدم ارتباط مناسب آن‌ها و دانش‌آموزانشان است (راجرز و کویل<sup>۳</sup>، ۱۹۷۷: ۲۷). پژوهشگرانی که شواهد و نتایج پژوهش‌های مختلف را از دهه ۱۹۷۰ مورد بررسی قرار داده‌اند قوی‌ترین و مهم‌ترین عامل موفقیت و انگیزه تحصیلی را نقش معلم و نحوه تدریس دانسته‌اند (گروه دنیلسون<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱: ۲۵) بر همین اساس معلم باید بر اساس شناخت مخاطب و شرایط برخاسته از موقعیت، اقدامات آموزشی لازم را شناسایی، طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی نماید بعد از پژوهش‌ها و مقالات در اواخر دهه ۸۰ توجهات نسبت به روش یاددهی - یادگیری جلب شد بر همین اساس پژوهش‌های زیادی در این حوزه انجام پذیرفت، یافته‌ها نشان می‌دهد علیرغم اهمیتی که دانش تخصصی، روش‌های تدریس و مهارت‌های میان فردی معلم در تعلیم و تربیت دارد معلمان در این حوزه ضعف دارند (شولمان ۱۹۸۶، دارلینگ، ۱۹۹۸، کوچران، ۲۰۰۸، جورج تاون<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱). مطالعات بسیاری از جمله کوچران (۲۰۰۸) دنیلسون، (۲۰۱۱) نیز نشان می‌دهد برای تدریس با کیفیت، علاوه بر داشتن دانش کامل و عمیق در حوزه تخصصی، دارا بودن مهارت‌های میان فردی و شناخت نیازهای رشدی دانش‌آموزان نیز لازم و ضروری است: معلمان انسان‌گرا از طریق ایجاد چالش‌های مناسب سعی در پرورش قدرت انتخاب، انگیزه، نوآوری، تفکر خلاق،

بلکه در این است که به افراد مؤثری که در سیستم وجود دارد شانس و فرصت اثربخشی و کارآمدی داده شود تا خود را به بهترین شیوه نشان دهند. کار مؤثری که مدارس و محیط‌های یاددهی یادگیری جذب‌کننده و اثربخش می‌کنند، چیزی بیشتر از تغییرات ساختاری است. آن‌ها به این دلیل اثربخشند که به شیوهٔ بهتری مدیریت می‌شوند (گلاسر<sup>۱</sup>، ترجمه صاحبی، ۱۳۹۳: ۳۳-۲۸).

اگر با مدیریت و سازمان‌دهی بهتر بتوان تعداد مریبان مؤثر را افزایش داد به زودی اصلاحات و بهبود ساختاری وسیعی را می‌توان در مدارس ملاحظه کرد. گلاسر معتقد است افزایش تعداد مدارس و محیط‌های یاددهی-یادگیری جذب‌کننده بدون اصلاح شیوهٔ مدیریت مدارس به گونه‌ای که تعداد بیشتری از دانش‌آموزان درگیر انجام کار کیفی شوند مانند بستن اسب به پشت کالسکه است. تغییرات زیاد با هزینه‌های اندک، به کار بستن روش‌های جدید برای تحول در فضاهای جدید و خارج کردن محیط‌های آموزشی از حالت کسالت‌بار، بیش از آن که هزینه‌بر باشد، نیازمند تغییر نگرش در مسئولان و معلمان مدارس است. تلاش‌های آموزشی باید در جهت پرورش اطمینان، اعتماد به نفس و خودپنداره مثبت دانش‌آموزان باشد، مک نیل (۲۰۰۹) موانعی را که در این مسیر می‌توان متصور بود، عبارت از این موارد می‌داند: تمایل برخی افراد و مؤسسات جهت حفظ کنترل و قدرت در قبال دیگران، بی‌اعتمادی نسبت به ماهیت بشر و توانمندی‌های دانش‌آموزان و فقدان تجربه دانش‌آموزان جهت قبول مسئولیت در قبال یادگیری خود.

**بررسی سؤال دوم: میزان کاربست آموزش و پرورش انسان‌گرا معطوف به ایجاد انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان در مؤلفه نقش معلم (روش یاددهی - یادگیری) چگونه است؟**

نقش معلم و روش یاددهی - یادگیری او در واقع نقش کلیدی و تأثیرگذار است، بنابراین معلم عامل و زمینه‌ساز آموزش و محیط یاددهی - یادگیری اثربخش است.

یافته‌ها نشان می‌دهد میزان کاربست آموزش و پرورش انسان‌گرا در مؤلفه نقش معلم (روش یاددهی - یادگیری) در مدارس ابتدایی در حد مطلوب نیست و آموزش و پرورش در این خصوص کم و خیلی کم عمل می‌کند. بنابراین نتیجه

2. Interpersonal Skills  
3. Koil  
4. Danielson group  
5. Sholman-Darling-Kochran-Georg Town

1. Glasser

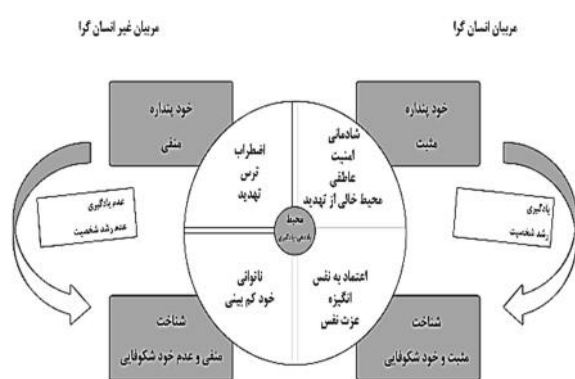
ارتباطی که در آن معلم و دانش‌آموز از اهمیت یکسانی برخوردار است. برهانی نظام متمرکز آموزش حاکم بر آموزش و پرورش، برنامه‌های درسی سازمان‌یافته و روش آموزش سخنرانی حاکم بر مدارس ایران را از جمله مواردی دانسته که اجازه بهبود مناسبات و روابط بین دانش‌آموزان و مربیان را در آموزش و پرورش نمی‌دهد.

با جمع‌بندی بخشی از پژوهش‌های مرتبط با این حوزه، ضمن تأکید بر اهمیت این مؤلفه از آموزش و پرورش انسان‌گرا، نتیجه گرفته می‌شود که معلمان به جای آن که با راهنمایی،

مسئولیت‌پذیری، خودارزشیابی و خودراهبری دارند. مربیان باید افرادی علاقه‌مند، آگاه و معتقد به اصول مطرح در رویکرد انسان‌گرایانه باشند. آن‌ها بایستی ایجادکننده خودپنداره مثبت و تسهیل‌گر رشد و مدافع خودشکوفایی فردی باشند و به توانمندی‌های دانش‌آموزان اعتقاد داشته باشند، جامعه نه تنها به افرادی باسواد و دارای مهارت‌های شناختی نیاز دارد، بلکه شهروندانی که بتوانند با دیگران ارتباط مناسب برقرار نمایند را نیز می‌طلبد. توسل به زور و اجبار، ایجاد ترس و استرس در دانش‌آموزان همانند آنچه که در آموزش سنتی اعمال می‌شد در آموزش و پرورش انسان‌گرایانه مورد انتقاد است.

پاول<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) اظهار می‌دارد زمانی که دانش‌آموزان از نظر روحی و روانی احساس ترس می‌کنند و زمانی که عزت نفس آن‌ها تهدید می‌شود یا احساس می‌کنند نسبت به هم‌کلاسی‌هایشان در وضعیت پایین‌تری قرار دارند یادگیری ایشان با اختلال مواجه می‌شود، در این موارد مواد شیمیایی مثل کورتیزون و آدرنالین که مواد شیمیایی استرس‌زا نام دارند در بدن و مغز آزاد می‌شود و معمولی‌ترین واکنش به ترشح این مواد، مبارزه، فرار یا افسردگی است. ترس از نظر روان‌شناسی، ترس از انتقاد، استهزاء، تحقیر یا طرد از گروه، تنها در زمان حال تأثیر ندارد بلکه به مدت طولانی به صورت مانعی برای یادگیری باقی می‌ماند، بنابراین کیفیت تدریس و یادگیری، با ایجاد پیوند با دانش‌آموز و خلق شرایط تدریس در فضایی انسان‌دوستانه و عاری از تهدید امکان‌پذیر است. مربی و آموزگار باید مراقبت کنند که دانش‌آموزان هر روز احساس کنند وجود آن‌ها لازم و مورد نیاز است. بالاترین چالش یک مربی انسان‌گرا آن است که این باور را به دانش‌آموز انتقال و ابلاغ کند که وی اگر در این مدرسه است فقط به خاطر اوست و در ورای هرگونه انتقاد، نمره یا تنبیه این مربی تنها خیر و خوبی دانش‌آموز را در ذهن خود دارد و این خیر و خوبی را هم به عنوان یک هدف و ارزش در ذات خود و قطع نظر از هر چیز دیگر نیت می‌کند.

برهانی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه دکتری خود با عنوان «تبیین مقوله ارتباط یا مناسبات بین کنشگران تعلیم و تربیت (معلمان، دانش‌آموزان و مدیران) در مدارس تهران»، به ارزیابی آن بر اساس نظریه ارتباطی هابرماس پرداخته است. برهانی در این تحقیق اظهار داشته که ارتباط متقارن بین کنشگران تعلیم و تربیت یکی از اصول مناسبات است.



شکل ۱. نمونه‌ای از تداخل نظریه انگیزش مازلو و آموزش و پرورش انسان‌گرا در محیط یاددهی - یادگیری (از محقق)

دانش‌آموزان را به فرضیه‌سازی و تفکر علمی و حل مسئله را دارند، اغلب سعی می‌کنند محتوای برنامه را با روش‌های غیرفعال و سنتی به ذهن دانش‌آموزان منتقل کنند. معلمان از برخی اصول و راهکارهای تدریس که تسهیل‌کننده فرایند یاددهی - یادگیری است آگاهی کافی ندارند یا فرصت اجرای آن را در کلاس درس پیدا نمی‌کنند. روش تدریس آنان بیشتر معلم محور است تا انسان‌گرایانه و با توجه به نیازهای اساسی دانش‌آموزان، به عبارت دیگر به روش‌های فعال تدریس که مستلزم برانگیختن دانش‌آموزان به فعالیت کلاسی است چندان بهایی نمی‌دهند و در دستیابی به هدف‌های مهارتی موفق نبوده‌اند. کمبود معلمان مؤثر، مشکلی نیست که با ایجاد سازمان‌دهی جدید حل شود. یکی از دلایل مهم این کمبود شیوه تربیت معلم و روش‌هایی است که آن‌ها مدیریت می‌شوند و این نقیصه زمانی رفع می‌شود که صرف‌نظر از ساختار مدرسه، شیوه تربیت معلم و مدیریت معلمان بهبود یابد.



مدارس ابتدایی در حد مطلوب نیست. این مؤلفه از آموزش پرورش انسان‌گرا با آنکه از منظر مجریان و مربیان در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها بهتر مورد کاربست قرار گرفته اما همچنان در وضعیت مطلوب قرار نداشته و نتوانسته تمام مؤلفه‌های این بخش از جمله ارائه بازخورد صادقانه و یاری‌رسان، تمرکز بر تلاش و فهم دانش‌آموز به جای تأکید بر نمره، تأکید بر خودارزشیابی و تأکید بر ایجاد روحیه رفاقت به جای رقابت را به طور کامل تحت پوشش قرار دهد. مک نیل (۲۰۰۹) اظهار می‌دارد روش‌های ارزشیابی و کار معلم در قضاوت و ارزشیابی دانش‌آموزان نسبت به استانداردهای معین اغلب با آن نقشی که انسان‌گرایان معتقدند، در تضاد است. در آموزش پرورش انسان‌گرایانه تمایل بر این است تا از ارزشیابی‌های تحت کنترل معلم فاصله گرفته شود مربیان انسان‌دوست اعتقاد دارند که نظام نمره‌بندی کاملاً نامربوط و ناکارآمد است و تنها خودارزشیابی، معنادار است.

خودارزشیابی<sup>۲</sup> نقشی محوری در آموزش و پرورش انسان‌گرایانه ایفا می‌کند. کرشن بام<sup>۳</sup> اظهار می‌دارد: «در آموزش و پرورش انسان‌گرایانه تمایل بر این است تا از ارزشیابی‌های تحت کنترل معلم فاصله گرفته شود و از دانش‌آموزان انتظار می‌رود در حین یادگیری به ارزشیابی پیشرفت به سمت هدف‌ها بپردازند.» ارزشیابی در این دیدگاه شامل ارائه بازخورد صادقانه و یاری رساننده به دانش‌آموزان است. در این پژوهش نتایج یافته‌ها حاکی از آن است که در بحث ایجاد خودارزشیابی در دانش‌آموزان نسبت به سایر مؤلفه‌های روش ارزشیابی ضعف عملکرد بیشتری ملاحظه می‌شود.

دانش‌پژوه (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی صلاحیت حرفه‌ای معلمان ابتدایی در سه حیطه شناختی، عاطفی و مهارتی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که در هر سه مقوله نارسایی‌هایی وجود دارد از جمله در بحث پرسش و پاسخ، جمع‌بندی و ارزشیابی، در روش‌های ارزشیابی نیز اغلب تمرکز آن‌ها بر نمره دانش‌آموزان است تا تأکید بر تلاش و فهم ایشان. همچنین از روش‌های درست و نوین ارزشیابی یا اطلاع ندارند یا استفاده نمی‌کنند. نتایج یافته‌های هوانگ (۲۰۱۳) نیز مؤید این مطلب است که اهداف برنامه‌های درسی موجود در راستای ایجاد و تقویت خود راهبری دانش‌آموزان

دانش‌آموزان مورد بررسی، نگرش مثبت نسبت به معلم و محیط یادگیری نداشته و در کارهای گروهی به ندرت مشارکت می‌کنند. جارولا (۲۰۱۱: ۶۳) اظهار می‌دارد محققان دریافته‌اند که تجربیات و عواطف خوشایند، با خودتنظیمی و انگیزش درونی همراه می‌شوند و دانش‌آموزان استراتژی‌های خودراهبری و فراشناخت را به کار می‌برند؛ بنابراین تجربیات عاطفی هیجانی (خوشایند، ناخوشایند) دانش‌آموزان، عکس‌العمل‌های متفاوتی را در فرایند خودتنظیمی و خودراهبری ایجاد می‌کند، این ارتباط بین تجربیات هیجانی و فرایند خودتنظیمی توسط بوکرتز<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) یافت شده است. وی دریافت که احساس خوشایند با افزایش در توانایی و قضاوت‌های ارزشمند همراه می‌شود و همچنین تلاش و انگیزه فرد را زیاد می‌کند، در صورتی که احساس ناخوشایند توانایی و قضاوت‌های ارزشمند را کاهش داده و تلاش فرد نیز کاهش می‌یابد. برای آن که یادگیری به گونه‌ای با معنا انجام شود باید نوعی «رابطه میان‌فردی اثربخش بین تسهیل‌کننده و شاگرد» به وجود آید، در حقیقت تسهیل‌کننده یادگیری در درجه نخست خود شاگرد است که عامل اصلی یادگیری به شمار می‌آید و کار معلم یا تسهیل‌کننده دیگر هنگامی مؤثر و ثمربخش است که شاگرد، خود همکاری و مشارکت پی‌گیر داشته باشد و گام به گام با او پیشرفت کند.

انسان‌ها به تحقق استعدادهای خویش گرایش دارند، دانش‌آموزان قادرند دامنه‌ای از رفتارها را انجام دهند، چنانچه به ایشان به منزله عناصر قادر و قابل اعتماد نگریسته شود و شرایط تسهیل‌کننده لازم فراهم باشد قادرند استعدادهای خود را به فعلیت درآورده، به سمت سطوح برتر کارکرد سوق پیدا کنند (میلر، ترجمه مهرمحمدی، ۱۳۹۲: ۲۰۵-۲۰۴).

**بررسی سؤال چهارم: میزان کاربست مؤلفه‌های آموزش و پرورش انسان‌گرا معطوف به ایجاد انگیزه تحصیلی در دانش‌آموزان، در مؤلفه «روش ارزشیابی» چگونه است؟**

ارزشیابی از چالش‌انگیز و بحث‌برانگیزترین مباحث حوزه‌های معرفت بشری است، زیرا که مستلزم داوری مبتنی بر ارزش‌هاست. ارزشیابی فرایند جمع‌آوری و تغییر نظام‌دار شواهدی است که در نهایت به قضاوت ارزشی با چشم‌داشت به قضاوتی معین بیانجامد (کیامنش، ۱۳۹۳). در بررسی میزان کاربست این مؤلفه در مدارس، یافته‌ها نشان می‌دهد میزان کاربست آموزش و پرورش انسان‌گرا در مؤلفه ارزشیابی در

2. Self - Evaluation  
3. Kirschenbaum

1. Bookerts

- پیشنهاد می‌شود معلمان و مجریان سعی در ایجاد فرصت موفقیت برای دانش‌آموزان داشته باشند، احساس موفقیت اولیه اعتماد به نفس و خودپنداره مثبت دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد.

- پیشنهاد می‌شود برنامه‌های درسی انعطاف‌پذیری بیشتری داشته باشند و معلمان از آزادی عمل بیشتری برخوردار باشند تا ضمن گسترش و پرورش خلاقیت و تفکر واگرا در دانش‌آموزان، فعالیت‌های یاددهی یادگیری خود را بر پایه نوآوری‌های حرفه‌ای، کارسازتر و موفق‌تر کنند.

- پیشنهاد می‌شود معلمان و مجریان در فرایند یاددهی یادگیری، دانش‌آموزان را (حتی با جریمه) تحقیر و تهدید نمایند چرا که در آموزش و پرورش انسان‌گرایانه سواد عاطفی برای یادگیری کم‌اهمیت‌تر از رشد شناختی نیست.

- از آنجا که معلم عالمی است که قصد آموزش و انتقال علم خود را دارد از سویی تنها راهکار عالم برای عالم ماندن در حوزه تخصصی خود، پژوهش و تحقیق است (نادری، سیف نراقی، ۱۳۹۴: ۱۰) لذا پیشنهاد می‌شود فرصت تحقیق و امکانات لازم جهت مطالعه از طریق نشریات مختلف به ویژه مقالات و فصلنامه‌های مرتبط آموزش و پرورش در اختیار مربیان قرار گیرد.

- پیشنهاد می‌شود دوره‌هایی جهت آشنایی بیشتر معلمان با روش‌های یاددهی - یادگیری و ارتقای مهارت‌های میان فردی اثربخش مورد تأکید در رویکرد انسان‌گرایانه جهت پیشبرد علمی و عملی مربیان، از سوی سازمان آموزش و پرورش برگزار شود.

- با توجه به اهمیت و نقش کلیدی معلم پیشنهاد می‌شود جایگاه معلم در نظام آموزش و پرورش به عنوان یک وظیفه ملی مطرح شده و امکانات لازم در همه زمینه‌ها به خدمت گرفته شود.

- پیشنهاد می‌شود از روش‌های متنوع ارزیابی دانش‌آموزان مرتبط با همه توانایی‌ها و عملکرد و همکاری‌های گروهی استفاده شود و در این راستا از هر گونه تنزل شخصیتی و استانداردهای غیر مرتبط پرهیز شود.

نبوده و بدان کمک نمی‌کند (لازم به ذکر است در این رویکرد با پرورش مهارت‌های میان فردی و تجربه‌های خوشایند و توسعه درونی، توان خود رهبری و خودارزشیابی که از مؤلفه‌های آن است، حاصل می‌شود).

## پیشنهادها

- پیشنهاد می‌شود ضمن تغییر و بازنگری در سازمان‌دهی و مدیریت محیط‌های یاددهی-یادگیری به سمت مدیریت راهبرانه، نظام آموزشی، نیمه‌متمرکز یا غیرمتمرکز شود.

- پیشنهاد می‌شود مریبان رابطه خود را با دانش‌آموزان به گونه‌ای تنظیم کنند که نقش‌هایشان را از صورت تک‌نواز به هم‌نواز تغییر دهند و به جای تأکید بر انتقال اطلاعات بر کمک به دانش‌آموزان در جستجو، تنظیم، درک و فهم عمیق دانستنی‌ها تأکید ورزند و بیشتر در تسهیل یادگیری و هدایت دانش‌آموزان بکوشند تا قالب ریختن آن‌ها.

- پیشنهاد می‌شود معلمان از روش‌های تدریس مورد تأکید در آموزش پرورش انسان‌گرایانه (مشارکتی، اکتشافی، معنادار، خودراهبر، یادگیری تجربی و...) بهره بگیرند تا ضمن درگیر نمودن دانش‌آموزان در فرایند یاددهی یادگیری زمینه‌ساز ایجاد مسئولیت‌پذیری، خودراهبری و خودارزشیابی در آنان شوند.

- کودکان باید در محیط آموزشی، احساس آرامش کنند و از عوامل تهدیدآمیز به دور باشند تا بتوانند به یادگیری بپردازند معلمان هم نیاز به امنیت شغلی، رفاه نسبی و بیمه‌های اجتماعی دارند تا بتوانند بدون دغدغه خاطر به پرورش کودکان و نوجوانان اقدام کنند بنابراین پیشنهاد می‌شود جهت پرورش استعدادها بالقوه و رشد همه جانبه دانش‌آموزان، به نیازهای هر دو گروه دانش‌آموزان و مربیان توجه شود.

- از بهترین راهکارها جهت ایجاد نگرش مثبت به مدرسه، ایجاد احساس ارزشمندی است که در آموزش پرورش انسان‌گرا به آن تأکید شده است لذا پیشنهاد می‌شود دانش‌آموزان در حل مسائل مدرسه، مشکلات درسی و ریشه‌یابی آن مورد مشورت قرار گیرند اگر آنان احساس تعلق به محیط، احترام و ارزشمندی کنند، از حضور در مدرسه لذت می‌برند و این امر منجر به پرورش حوزه تفکر، تصمیم‌گیری و حل مسئله در دانش‌آموزان می‌شود.

## منابع

- صافی، احمد (۱۳۹۱). آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه. تهران: نشر سمت.
- عارفی، محبوبه؛ فتحی واجارگاه، کوروش؛ نادری، رحیم (۱۳۸۸). «دانش نظری و مهارت‌های معلمان ابتدایی از نظریه یادگیری». فصلنامه نوآوری‌های آموزشی. سال هشتم. شماره ۳۰۰.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران، نشر سمت.
- کدیور، پروین (۱۳۹۳). روان‌شناسی تربیتی. تهران: نشر سمت.
- کیامش، علیرضا (۱۳۹۲). روش‌های ارزشیابی. تهران: انتشارات پیام نور.
- گلاسر، ویلیام (۱۳۹۳). مدرسه کیفی. ترجمه علی صاحبی. تهران: نشر سایه سخن.
- گوتک، جرالد ال (۱۳۹۲). مکاتب فلسفی و آرای تربیتی. ترجمه محمد جعفر پاک‌سرشت. تهران: نشر سمت.
- ماهر و زاده، طیبه؛ عباسی، منصوره (۱۳۹۱). «مدرسه زندگی، ماهیت و چگونگی تحقق آن». فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۸، شماره ۱، صفحات ۱۷۰-۱۴۷.
- ملکی، حسن (۱۳۹۱). آموزش و پرورش فرصت‌ها و تهدیدها. تهران: نشر عابد.
- ملکی، حسن (۱۳۹۱). صلاحیت‌های حرفه معلمی. تهران: نشر مدرسه.
- میلر، جان. پی (۱۳۹۳). نظریه‌های برنامه درسی. ترجمه محمود مهر محمدی. تهران: نشر سمت.
- نادری، عزت‌الله؛ سیف نراقی، مریم (۱۳۹۴). روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی. تهران: ارسباران.
- یوسفی، ناصر (۱۳۹۱). رویکردهای آموزشی در کار با کودکان خردسال. تهران: نشر کارگاه کودک.
- برهانی، پوران (۱۳۹۳). «تبیین مقوله یا مناسبات بین کنشگران تعلیم تربیت در مدارس تهران و ارزیابی آن بر اساس نظریه ارتباطی هابرماس». رساله دکتری، تهران، دانشگاه مدرس.
- بیلر، رابرت (۱۳۹۳). کاربرد روان‌شناسی در آموزش. ترجمه پروین کدیور. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۹۲). روان‌شناسی تربیتی. تهران، نشر ویرایش.
- جویس، بروس (۱۳۹۲). الگوهای تدریس. ترجمه محمدرضا بهرنگی. تهران: انتشارات کمال تربیت.
- دانش‌پژوه، زهرا (۱۳۸۹). سنجش مهارت‌های حرفه‌ای تدریس معلمان ابتدایی. موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی و نوآوری‌های آموزشی.
- رضایی، محمدرضا (۱۳۹۲). «دوره ابتدایی: شناخت فرصت‌های مطلوب تربیتی». روزنامه جام جم، شماره ۲۶۷۵، صفحه ۱۴.
- زارع، حسین (مترجم، ۱۳۹۴). مایکل و. آیزنک، مارک کین. (مؤلف). روان‌شناسی شناختی، تفکر و زبان. تهران: نشر ارجمند.
- زارع، حسین. الف (۱۳۹۲). روان‌شناسی یادگیری. تهران: انتشارات پیام نور.
- زارع، حسین. ب (۱۳۹۲). خلاقیت، حل مسئله و تفکر راهبردی. تهران: انتشارات پیام نور.
- سیف نراقی، مریم؛ نادری، عزت‌الله (۱۳۹۴). سنجش و اندازه‌گیری و بنیادهای تحلیلی ابزارهای آن در علوم تربیتی و روان‌شناسی. تهران: نشر ارسباران.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۹۰). مبانی و اصول آموزش و پرورش. تهران: نشر آستان قدس رضوی.
- Callins, Cathy. & Mangieri, John N. (2012). Exemplary literacy teachers: what schools can do to promote success for all students. New York: the Guilford press.
- Clark, M.H. & Schroth, C.A. (2010). Examining. Relationship between academic motivation & personality among college students. journal of learning & individual differences. 20-40.
- Folsom, Christy. (2011). Teaching for intellectual and emotional learning. Published by Rowmand & little field education.
- Gazda, George M. (1973). Human relations development. Boston: Allyn and Bacon.
- George town college. (2011). Developing scholars who are competent and caring educators. Conceptual framework, Department of education.
- Gutek, G.L. (2010). New Perspectives on philosophy and Education. Columbus. ohio. New Jersy, pearson.
- Hill, Brain. (2012). Learning & Assessment. Engelwood cliffs. NJ: Prentice – Hall.
- Huntly, Helen. (2012). Beginning teachers conceptions of competence, The Australian educational researcher, vol 35, No 1.
- Hwang, fei fei. (2013). The relationship between emotional intelligence & teaching effectiveness. Texas university, kingswelle.
- Jarvela, sanna. (2011). Social and emotional aspects of learning. Elsevier.

- Mc Neil, & D. John. (2009). Contemporary curriculum in thought and action. Los Angeles: university of California.
- Powell, R. & Contrell, S.C. (2010). Saving black mountain. *Critical literacy*, Vol 54, pages 772-781.
- Reeves, Melissa. & Kanan, Linda. (2010). Comprehensive planning for safe learning environments, Talor & Francis group, New York, London.
- Rogers, C.R. (1986). Carl Rogers on the development of the person – centered approach. *Person – centered Review*.
- Rogers. C.R. (1996). Freedom to learn. Columbus. Ott: Merril.
- Shulman, L. (1986). Knowledge growth in teaching, *educational researcher*, Vol 15, 4-14.
- Taylor B. (2012). Self-directed learning: Revisiting Talor, D. Daris, Pamela. Malanchuk, Oksana. (2013). Self steem - academic self concept at school. *University of Michigan*, Vol 33, pages 130-136.